

متن پیاده سازی شده نشست نوزدهم (42) سال دوم درس خارج فقه هنر 10 اردیبهشت 1402

برای دریافت فایل [کلیک کنید](#)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين
اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و على آبائه فى هذه الساعة و فى كل ساعة وليا وحافظا و قائدا و ناصرا و دليلا
وعينا حتى تسكنه أرضک طوعا و تمتعه فيها طويلا
فقه هنر: نقاشی و مجسمه سازی و اسناد الراء
به نظر ما عقل در مساله ميتواند حضور داشته باشد و نمى تواند حضور داشته باشد ...
اگر از عقل بپرسيم نقاشی چه حکمی دارد؟ ميگويد به من چه
مجسمه سازی چه حکمی دارد؟ مي گويد اگر دين ساکت است من منعی نمى بينم
پس المساله بطبعها خالية عن قضاء العقل ...
البته در استثنائاتی که عارض مفارق است نه عارض لازم
مجسمه موسولینی یا صدام یا هیتلر یا استالین را بسازند و در میدان شهر بخواهند نصب کنند این می شود ، تکریم فسقه ... این
جا ، عقل ما نمى گوید ببين شرع چه می گوید.
تکریم فسقه است عنوان واسطه در عروض است
به هر حال این که می گوئيم مجسمه صدام حرام است ؛ چون تکریم فسقه است ...
لا مجال للاستناد الى العقل ... فى الفتيا بجواز تصوير و التمثيل او منعهما ... الا باعتبار بعض العوارض ... (که از محل بحث ما
خارج است)
عقل که بیرون برود سه چیز می ماند؛ اجماع ، سنت و قرآن
راجع به اجماع ؛ بحث های خود را دارد همیشه باید اصل و حدود اجماع معین باشد ...
ما دو نکته در صغرا داریم و یک نکته در کبرا داریم .
اصل اجماع؛
حدود اجماع؛
اعتبار اجماع ؛
در این مساله ای که ما هستيم ، اگر يادتان باشد مساله اختلافی بود این که برخی ها گفته اند ، به این اعتبار که یک نوع بت
پرستی بوده است ... تکریم فسقه یا ترویج کفر بوده است و این ها مخالف بودند یا برخی ها که احتیاط می کردند و صراحتا
مخالفت نمى کردند ...
فرض کنید مجسمه نوات ارواح مدنظر است
کسی که می گوید الاجماع محتمل المدرکيه و لذا لا يعتمد علیه ...
مرحوم تيريزی در صراط النجاة ج5 ص 379 می گوید:
که این جور جاها اجماع نیست
و اما قرآن

آیاتی از قرآن وجود دارد ؛ آیاتی که قابل استناد است

یکی کریمه سیزدهم از سوره سبأ:

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ ﴿٤﴾ اَعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا ﴿٥﴾ وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ
آن دیوان بر او هر چه می‌خواست از (کاخ و عمارات و) معابد عالی و نقوش و تمثالها و ظروف بزرگ مانند حوضها و دیگهای
عظیم که بر زمین کار گذاشته بودی همه را می‌ساختند. (و گفتیم که) ای آل داود شما شکر و ستایش خدا به جای آرید و (هر
چند) از بندگان من عده قلیلی شکر گزارند.

این جا یک بحثی است و آن این که جناب سلیمان ، دستور به منکر که نمیداده است یا چیزی که کفر باشد

این آیه را داریم و مسلما دلالت بر منع نمی کند و اگر بخواهد دلالت کند دلالت بر جواز دارد ..

درتمائیل بحث است که این ها چه بوده ؛ آیا منظور نقاشی بوده یا حضرت دستور به ساختن مجسمه میدادند؟

برخی گفته اند این آیه ، اگر بخواهد دلالت بر جواز کند از کلمه تمائیل استفاده می کند .

شما اگر نقاشی سعدی را بکشید و بیاورید نمی گویند تمثال سعدی اما اگر مجسمه سعدی را درست کنید و مثل سعدی باشد
می گویند این تمثال سعدی است اگر مثل سعدی باشد ...

لا یقل ان یكون ظاهر من تمثال الشيء و صورته بقول مطلق هو المشابه له فی الهيئة مطلقا ای من جمیع جوانب لا من جانب

الله ، یعنی در واقع آیه می رود در لاین مجسمه سازی به عبارتی جناب سلیمان دستور مجسمه سازی میداده است .

1 اما برخی گفته اند تمائیل چیز اعمی است می تواند هم مجسمه را شامل باشد هم غیر مجسمه را ...

مرحوم ایروانی می گوید اما ما اشتمل من الاخبار و لفظ المثال و التمثال فالظاهر منه هی مجسمه ایشان می گوید صورت
اعم است

نهایتا این که این آیه دلالت بر منع ندارد .

کسی بخواهد به منع قائل شود با ید این آیه را حل کند .

و گرنه بخواهد اثبات حرمت کند با این آیه اثبات حرمت نمی شود.

یکی از آیاتی که به کار ما می آید و در لیست ادله ای که باید بررسی شود

آیه ای است که حضرت عیسی علیه السلام میفرماید:

*أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْرِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا
تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ* (49آل عمران)

من از گل برای شما [چیزی] به شکل پرنده می سازم آنگاه در آن می دمم پس به اذن خدا پرنده ای می شود و به اذن خدا نابینای

مادرزاد و پیس را بهبود می بخشم و مردگان را زنده می گردانم و شما را از آنچه می خورید و در خانه هایتان نذیره می کنید

خبر می دهم مسلما در این [معجزات] برای شما اگر مؤمن باشید عبرت است)

این آیه حداقل دلالت بر جواز اذنا کان به غرض صحیح باشد ...

مورد بعد آیه راجع به ابراهیم علیه السلام

* وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أُولَئِمُ تُؤْمِنُ ﴿٥﴾ قَالَ بَلَىٰ وَلَكِنَّ لِيَاطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ
ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ*

این آیه هم دلالت بر جواز دارد /

ظهر ان لا دلالة القرآن على جواز التصوير و التمثيل فى الشريعة المقدسة

دلالت بر منع را هم که کسی نگفته است ..

اگر بخواهید از طریق استصحاب باشد که شبهات حکمیه در این باره نداریم و از طریق شرائع هم ما به چنین اصلی نرسیدیم

البته و ان کانت فيه ايماء اگر چه در قرآن ايماء به جواز هست اما غير از دلالت است .

عقل اجماع و قرآن در این موضوع نه برای جواز به کار می آید و نه برای منع

باید متمرکز شویم بر سنت

عمده دلیل ما سنت است ..

سنت هم به این سادگی قرآن و اجماع و عقل نیست .

ما آمدیم سنت را مدیریت کردیم از نظر دلالت

من نوشتم: اما السنة هي العمدة في الباب و الاخبار على طوائفه ..

اولین طایفه؛ ما يظهر منه حرمة كل تصوير نقاشيا او تجسيما ذیروح (ذوات ارواح) او غیر ذوات ارواح

روایتی است از ابوبصیر:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ أَتَانِي جِبْرِئِيلُ وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ رَبَّكَ يُفْرُئُكَ السَّلَامَ وَيُنْهَى عَنْ تَزْوِيقِ الْبُيُوتِ . قَالَ أَبُو بَصِيرٍ فَقُلْتُ: وَمَا تَزْوِيقُ الْبُيُوتِ، فَقَالَ: تَصَاوِيرُ التَّمَاثِيلِ.

این جا ممکن است بگوییم به نقاشی اشاره دارد که در خانه ممکن است هم ذیروح را در بر گیرد هم غیر ذیروح را

از نظر سند ، من نوشتم:

و في السند القاسم بن محمد جوهری وعلی بن ابی حمزه و هما واقفیان ...

ولی این روایت سند دیگری هم دارد

من این جا نوشتم جناب محاسن برقی از پدرش از سماعه و از ابوبصیر ...دیگر مشکل وقف ر اندارد ...

به نظر شما این روایت ، دلالتش خوب است یا نه ؟

شاید کسی بگوید بیوت موضوعیت دارد

شاید کسی عکس کوروش و ...را کشیده باشد

شاید هم بیوتش خصوصیت ندارد ولو پشت بامش نقاشی کشیده باشد

لذا من نوشتم روایت لا یدل علی مطلق المنع ..از لعل لبیت خصوصیت

مثلا تزویق المسجد حرام است آیا می توان از مسجد به غیر مسجد سرایت بدهیم؟

از مرحوم آقای تبریزی؛ کتاب ارشاد الطالب ج 1 ص 120 و 121....مطالبی در این باره آمده است .

پس این روایت فی نفسه برای اثبات حرمت تزویق کفایت می کند مگر بعد مانعی ایجاد شود

خبر دیگری ابوبصیر از امام صادق علیه السلام دارد که :

ابو بصیر عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله أتاني جبرئيل فقال: يا محمد ان ربك ينهى عن

التمثيل

مطالب را اگر خواستید پیگیری کنید

ابواب احكام مساكن كه ج 3 باب 3 می شود ص 562 ح 9 و 10

باب 28 ص 431

این روایات که كلها ضعیف است ، استدلال شده برای منع مطلق ..

كلها ضعيفة من جهة اسنادها

مستدرک الوسائل در ابواب ما یکتسب به باب 6 ج 13 ص 71

از همه اسان تر ، دراسات آقای منتظری هست ج 2 ص 561 تا 564 که میتوانید مدیریت روایات کنید

تمرین خوبی هست این مدیریت روایات برای اجتهاد ...